

چکیده:

هدف از این پژوهش تبیین رابطه ویژگی‌های شخصیتی با سبک‌های هویتی در وابستگان به مواد مخدر تحت درمان نگهدارنده با متادون (MMT) در مراکز ترک اعتیاد (خود معرف) شهر شیراز بود. جامعه آماری کلیه افراد مذکور تحت درمان نگهدارنده با متادون در مناطق نه‌گانه شیراز بودند و نمونه یک گروه ۸۹ نفری از افراد وابسته به مواد مخدر با گروه سنی ۲۰-۲۸ سال که با روش خوشه‌ای انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از رگرسیون چند متغیره و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. داده‌ها به کمک پرسشنامه شخصیت NEO، ۶۰ سؤالی (مک کری و کوستا، ۱۹۸۹) و پرسشنامه سبک‌های هویتی برزونسکی ۳۲ سؤالی (۱۹۹۸) جمع‌آوری گردید. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی با سبک‌های هویتی رابطه معنی‌داری وجود دارد. سبک اطلاعاتی با ویژگی‌های برون‌گرایی، دلدپذیر بودن و مسئولیت‌پذیری رابطه مثبت و معنی‌دار و سبک هنجاری با ویژگی‌های برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری و مسئولیت‌پذیری رابطه مثبت و معنی‌دار و با ویژگی‌های روان‌رنجورخویی رابطه معکوس و معنی‌دار دارد. سبک اجتنابی نیز با ویژگی‌های مسئولیت‌پذیری رابطه معکوس و معنی‌دار دارد و با دیگر ویژگی‌ها رابطه معنی‌دار مشاهده نشد. در پژوهش فوق نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی پیش‌بینی‌کننده معنی‌دار سبک‌های هویتی هستند. سبک اطلاعاتی بوسیله مسئولیت‌پذیری و روان‌رنجورخویی بصورت مثبت و معنی‌دار پیش‌بینی شد، سبک هنجاری بوسیله مسئولیت‌پذیری و انعطاف‌پذیری بصورت مثبت و معنی‌دار بوسیله روان‌رنجورخویی بصورت منفی و معنی‌دار پیش‌بینی گردید و ابعاد مسئولیت‌پذیری و انعطاف‌پذیری دارای قدرت پیش‌بینی منفی و معنی‌دار برای سبک اجتنابی بودند.

کلید واژه‌ها: ویژگی‌های شخصیتی، سبک‌های هویتی، افراد وابسته به مواد مخدر.



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد مرودشت

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد روان شناسی (M.A)

رشته :

روانشناسی عمومی

عنوان :

رابطه ویژگی های شخصیتی با سبک های هویتی در افراد وابسته

به مواد مخدر تحت درمان نگهدارنده با متادون (MMT)

استاد راهنما : دکتر سیده مریم مسینی

استاد مشاوره: دکتر آذرمیدفت رضایی

نگارش : سحر مظفر بیگی

تابستان 1390

تقدیم به مادر عزیزم

آنکه بودنش تاج افتخاری است بر سرم و نامش دلیلی است بر بودنم ،

چرا که او بعد از پروردگار مایه هستی ام بوده ،

دستم را گرفته و راه رفتن را در این وادی پر فراز و نشیب زندگی

به من آموخته.

تشکر و قدردانی:

کمال تشکر و قدردانی خود را از زحمات ارزشمند اساتید گرانقدرم و بویژه سرکار خانم دکتر سیده مریم حسینی و سرکار خانم دکتر آذرمیدخت رضایی که در طول دوران تحصیل و به خصوص در تدوین این پایان نامه مرا مورد لطف و محبت قرار دادند ابراز می‌دارم، بر خود واجب می‌دانم که از آقایان دکتر محمد خیر و دکتر صدراله خسروی بابت قبول داوری این پایان نامه و سرکار خانم دکتر نادره سهرابی ناظر جلسه کمال سپاسگذاری را داشته باشم. همچنین در تهیه این پژوهش مراکزی از جمله: مراکز ترک اعتیاد اردیبهشت، پرواز و سایر مراکز ناحیه ۱ و ۴ و همچنین کلینیک روانشناسی امید کمال همکاری را با اینجانب به جا آوردند که بر خود لازم می‌بینم از زحمات این عزیزان نیز قدردانی نمایم. در پایان از خداوند متعال برای تمام کسانی که مسیر تولید علم و پژوهش را در جهت سربلندی ایران عزیزمان هموار می‌نمایند توفیق در ذیل توجهات حضرت ولی عصر(عج) آرزومندم.

فصل اول

مقدمه:

پرسش هر انسانی از کیستی و چیستی خود پرسشی دائمی و گریزناپذیر در زندگی اجتماعی مردمان بوده است و تلاش برای پاسخگویی به این پرسش و ایجاد حسی از هویت^۱، قدمتی بسیار طولانی دارد. ایده و اندیشه هویت حتی در لوحه‌های مربوط به عهد عتیق (روزگار باستان) نیز دیده می‌شود و در همه زبان‌های رایج و همه سخنرانی اندیشمندان ردپایی از آن را می‌توان یافت (تریاندیس، ۱۹۸۹). اسنید^۲ و وایت بورن^۳ (۲۰۰۳) بر این باورند که هویت مانند قطب نما، فرد را در طول زندگی اش هدایت می‌کند و به او جهت می‌دهد و منجر به ایجاد سبک‌های پردازش هویت سازمان‌دهی شده‌ای می‌گردد که از طریق آن فرد تجربیاتش را تعبیر و تفسیر می‌کند و تحت تاثیر تجارب قرار می‌گیرد.

شخصیت نیز یکی از مباحث عمده و محوری روانشناسی و هدف نهایی همه بررسی‌های مربوط به انسان است. بدون شک بررسی و مطالعه شخصیت بدون بررسی و مطالعه عناصر آن، غیر ممکن است (اسلاملوقرایی، ۱۳۸۷).

اعتیاد به لحاظ مضرات اقتصادی، سیاسی و جسمی، نگاههای مختلفی را به خود معطوف نموده است. کشور ما به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی یکی از قربانیان اصلی مواد مخدر میباشد. یکی از مهمترین اقدامات در این زمینه شناخت ابعاد رویکردهای نظری در مورد مساله اعتیاد مواد مخدر می‌باشد. برخی نظریات روانشناسی درباره مصرف مواد مخدر مبتنی بر شخصیت است. اعتیاد به مواد مخدر به طور کلی یکی از اختلالات شخصیتی در زندگی است که افراد با گرایش‌های شخصیتی خاص ممکن است، تحت شرایط نامناسب فرهنگی - اجتماعی، آن را انتخاب کنند. دارا بودن یکسری ویژگی‌های منحصر به فرد شخصیتی - رشدی، همچون نقص در تکامل نفس، فقدان حس مسئولیت‌پذیری، فقدان خود اتکائی و استقلال جزئی، فقدان ابتکار عمل و اراده، بی‌تحملی در برابر ناکامی و ناتوانی در چشم پوشی از لذات زودگذر به نفع دست‌یابی به اهداف بلندمدت، عامل مستعد کننده و تعیین کننده در مقوله‌بندی بیماری شناختی معتادان به مواد مخدر است (اوسوبل^۴، ۱۹۸۷).

1- identity

2- Sneed

3- Whitbourne

4- Ausubel, D.P.

سوء مصرف مواد و اعتیاد که به حق در میان مردم به بلای خانمان سوز شهرت یافته پدیده‌ای است که ماحصل تعامل عوامل متعدد می باشد. تمامی صاحب نظران و متخصصان حوزه اعتیاد بر این امر اتفاق نظر دارند که سوء مصرف مواد را نمی توان صرفاً مشکلی جسمانی، روانی یا اجتماعی دانست و پیدایش آن را بایستی نتیجه تعامل چندین مشکل دانست (موسسه های سوء مصرف، ۲۰۰۷).

بنابر آنچه گفته شد ویژگی های شخصیتی و نحوه شکل گیری و پرداخته شدن سبک های پردازش هویتی ارتباط و تاثیر بسزایی در چگونگی بروز سازگاری های فردی و اجتماعی دارد و سازگاری اجتماعی به افراد یا گروه کمک می کند تا با فرهنگ و هنجارهای اجتماعی انطباق نمایند که تاثیر آن در عدم گرایش به مواد مخدر و در صورت گرایش به مواد در درمان و عدم برگشت اهمیت بسزایی دارد.

بیان مسأله:

هویت یابی در دوران نوجوانی به موازات رشد فیزیکی، شناختی، اجتماعی و عاطفی اهمیت خاصی می یابد. بسیاری از نوجوانان با شور زیادی از خود سؤال می کنند که جایگاه اجتماعی من کجاست؟ شغل آینده من چیست؟ رشته ی تحصیلی من چه خواهد بود و سرانجام با چه کسی ازدواج خواهم کرد؟ این سئوالات در واقع تلاش برای یافتن هویت است که در نحوه ی برخورد نوجوان با دیگران اثر می گذارد و با تغییر زمینه اجتماعی دچار دگرگونی می شود (احدی و جمهری، ۱۳۸۵).

یکی از روانشناسان معروف که نام او با «هویت یابی» در دوره نوجوانی تداعی می شود اریکسون است او دوره نوجوانی را به عنوان پلی بین کودکی و بزرگسالی در نظر گرفته که دارای اهداف و ویژگی های خاصی می باشد، که این اهداف عبارتند از:

الف) پذیرش تغییرات فیزیولوژیکی و جسمانی بلوغ

ب) اکتساب استقلال

ج) پیدایش یک هویت محکم و منسجم

د) رشد الگوهای شناختی بزرگسالی (نقل از آدامز و مونت مایر، ۱۹۸۹)

اریکسون رشد انسان را به هشت مرحله تقسیم می نماید و هر مرحله را با خصایص و بحرانهای خاص توصیف می کند، به طوری که هدف هر مرحله، برطرف کردن آن بحران خاص می باشد. وی نوجوانی را

زمان وقوع بحران هویت می داند او معتقد است زمانی که بحران هویت برطرف شود فرد به هویت متشکل و منسجم خود می رسد (نقل از حسین زاده ۱۳۸۷).

از نظر اریکسون تا قبل از بلوغ و نوجوانی، شخصیت فرد وحدت و هماهنگی ندارد، با گذر از این مراحل است که وحدت هماهنگی درونی، خود پذیرش و ثبات نسبی سازمان «من» کسب می شود. نوجوان در تمام کشمکش ها و تلاش های خویش، در پی کشف هویت است. وی میل دارد جا، مقام و مکان، مفهوم و معنی خویشتن خویش را بیابد، آن را بازسازی کند و یا دگرگون سازد و از نو پی ریزی نماید این جریان سرتاسر وجود و هستی او را به خود مشغول می کند (نقل از نقی زاده، ۱۳۸۷).

اریکسون معتقد است که عمده ترین تکلیف یک نوجوان حل بحران «هویت در برابر سردرگمی نقش» است. برای رسیدن به هویتی کم و بیش با ثبات، نوجوان باید نیازها و آرزوها و توانایی های خود را به شکل تازه ای سازماندهی کند، تا از این طریق بتواند خود را با انتقادات موجود در جامعه وفق دهد (احدی و جمهری، ۱۳۸۵).

بحران هویت که اریکسون حل آن را نشانه پیروزی و رسیدن به تعادل خود دوره نوجوانی می داند، بحران خود یابی و تشکیل شخصیت است. در تعریف هویت، استمرار شخصیت به عنوان یک واژه کلیدی به کار می رود. استمرار شخصیت به این معنی است که فرد در طول زمان و مکان همان شخص است و نه شخص دیگر در این حالت هم خود فرد و هم دیگران او را «همان فرد» تشخیص داده و می شناسند. این نوع از هویت معمولاً با استفاده از نام، حالات و موقعیت اجتماعی، حرفه، نشانی و نظایر آن بیان می شود. (اریکسون، ۱۹۵۹).

مارسیا^۱ پس از اریکسون به این نتیجه رسید که شکل گیری هویت در مراحل مختلفی صورت می گیرد. به عقیده وی نوجوانان در پیشرفت خود به سوی یک هدف منسجم چهار حالت را پشت سر می گذارند. این چهار حالت هویت عبارتند از:

۱- هویت آشفته: در این حالت به ندرت تعهدی نسبت به اشخاص، عقاید، اصول وجود دارد. در عوض تاکید عمده برای زندگی در لحظه حاضر می باشد. همچنین به نظر می رسد فرد از درون خالی است و یا فاقد خود بوده و سرگردان می باشد.

¹ -Marcia

۲- هویت زود شکل گرفته: از مشخصات آن اجتناب آزادانه است. فرد بیشتر توسط دیگری جهت داده می شود تا توسط خودش، نقشی را که افراد قدرتمند یا دوستان با نفوذ به او توصیه می کنند، با فراغ بال می پذیرند. به نظر می رسد که فرد از مسئولیتی که به دنبال آزادی وجود دارد می ترسد.

۳- هویت به تعویق افتاده: این نوع هویت معمولاً نتیجه یک تصمیم سنجیده و یا تعمق می باشد که فرد به خود فرصت می دهد تا از فشار ناشی از مدرسه، دانشگاه و یا اولین شغل تا حدی خلاصی یابد. هدف این است که فرصتی برای نفس کشیدن ایجاد شود تا طی آن فرد جنبه های روانی خود و حقیقت عینی را بهتر کشف کرده و بشناسد.

۴- هویت موفق یا پیشرفته: مارسیا، هویت موفق را تقریباً شامل رویارویی با بحرانهای شخصی و تصمیم گیری متفکرانه می داند. فرد نسبت به انتخاب های گوناگون و دشواری که زندگی برایش فراهم نموده، آگاه می گردد و این تقریباً رسیدن به مرحله میان واگرایی است که پیازه مطرح می نماید. انتخابی که می کند، همراه با تعهد می باشد تعهدی که منابع روانی فرد را در خدمت به رسیدن هدفی قرار می دهد (نقل از حسین زاده، ۱۳۸۷).

با این حال کیفیت و کمیت تجارب آدمی و ویژگی های شخصیتی و تغییرات محیطی، در چگونگی مواجهه ی وی با چالش های زندگی نقش ماندگار بر جا می گذارد و حتی در هویت یابی نوجوانان نیز نقش دارد. تدریجاً مهارت های ویژه نهادینه شده در فرد به وجود می آید که او را در تقابل تغییرات زندگی همراهی می کنند (موس، و بیلینگ^۱، ۱۹۹۰).

از نظر برزونسکی^۲ سبک های پردازش هویت، فرایند و راهبردهایی هستند که افراد برای شناخت خود و حل مسائل مرتبط با آن به کار می گیرند. این سبک ها عبارتند از: سبک اطلاعاتی^۳، سبک هنجاری^۴ و سبک گسیخته-اجتنابی^۵ (برزونسکی ۱۹۹۴، بوید و همکاران ۲۰۰۳، سافن و همکاران، ۲۰۰۵).

افراد با سبک هویت اطلاعاتی فعالانه به جستجو و ارزیابی اطلاعات مربوط به هویت شان می پردازند. چنین افرادی سطوح بالای پیچیدگی شاخص، احتیاط در تصمیم گیری، نیاز به شناخت، خود مختاری و

¹ -Moos&Billing

² -Berzonsky

³ -Informational Style

⁴ -Normative Style

⁵ -diffuse-avoidance style

پایداری شناختی را نشان می دهند (برزونسکی ، ۱۹۹۲؛۲۰۰۲ برزونسکی فراری ، ۱۹۹۶؛ برزونسکی و کاک، دوریز ، سانتز و بیرز^۱ ۲۰۰۴، به نقل از سانتز و همکاران ، ۲۰۰۵).

عوامل مختلفی در شکل گیری هویت نقش دارند یکی از این عوامل ویژگی های شخصیتی است که نقش بسزایی در پردازش هویت ایفا می کند. مک کری و کوستا شخصیت را در امتداد پنج بعد یا پنج عامل اصلی شامل روان رنجورخویی^۲ ، برون گرایی^۳ ، انعطاف پذیری^۴ ، دلپذیر بودن^۵ و با وجدان بودن^۶ توصیف توصیف کردند. روان رنجورخویی به تمایل برای تجربه اضطراب ، تنش ، خودخوری، خصومت ، کمرویی ، تفکر غیر منطقی ، افسردگی و عزت نفس پایین اطلاق می شود . برون گرایی به تمایل برای مثبت بودن ، قاطعیت ، تحرک ، مهربانی و اجتماعی بودن گفته می شود . انعطاف پذیری عبارت است از تمایل به کنجکاوی ، هنر نمایی ، خودورزی ، با وجدان بودن ، روشنفکری و نوآوری و همسازی به تمایل برای گذشت مهربانی ، سخاوتمندی ، اعتماد ورزی ، همدلی ، فرمانبرداری ، فداکاری و وفاداری اطلاق می شود. با وجدان بودن عبارت است از تمایل به سازماندهی کارآمدی ، قابلیت اعتماد ، خویشتنداری ، پیشرفت گرایی ، منطق گرایی و تعمق (بشارت، ۱۳۸۶).

با توجه به این که وابستگی به مواد مخدر^۷ منجر به تغییرات جدی در سوء مصرف کنندگان مواد می گردد، به طوری که ۹۰٪ سوء مصرف کنندگان مواد به یک یا چند اختلال دیگر مبتلا هستند که شایعترین آنها اختلالات خلقی^۸، شخصیت ضد اجتماعی^۹، اختلال اضطرابی^{۱۰} و با شیوع کمتر ترس های مزمن^{۱۱}، وسواس^{۱۲} و اسکیزوفرنیا^{۱۳} می باشد در نتیجه توجه به عوامل زمینه ساز آن حائز اهمیت می باشد (کاپلان و سادوک^{۱۴}، ۲۰۰۲).

¹ - Kuk & Duriz & Sunteses & Beyers

² -neuroticism

³ -extroversion

⁴ -openness

⁵ -agreeablen

⁶ -conscientiousness

⁷ -substance dependence

⁸ -mood disorders

⁹ -antisocial personality

¹⁰ -anxiety disorders

¹¹ -phobia

¹² - compulsions

¹³ - schizphernia

¹⁴ - Kaplan K and Sadock VA

در ۵۰ سال گذشته، تلاش‌های بسیاری در مورد بررسی ارتباط سوء مصرف مواد مخدر و سازه‌های شخصیت و هویت انجام شده است. فرض وجود یک شخصیت، یا منش اعتیادی^۱ در مفاهیم روانکاوی^۲ از وابستگی به مواد ریشه می‌گیرد (بخشی پور رودسری و همکاران، ۱۳۸۷).

در سومین چاپ راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی^۳ (انجمن روانپزشکی آمریکا^۴، ۱۹۸۰) مصرف مواد و اختلال‌های شخصیت در محورهای جدا از هم جا می‌گرفتند و از آن هنگام، پژوهش درباره همبودی مصرف مواد و اختلال شخصیت، به دلیل اهمیت آن در پیش‌آگهی بیماری اعتیاد ضرورت یافت.

همانندی سوء مصرف مواد^۵ و اختلال شخصیت، تشدید علایم روانی و افزایش خطر خودکشی را به همراه دارد (بال^۶، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵ به نقل از بخشی پور رودسری و همکاران، ۱۳۸۷).

از طرف دیگر در درمان روانی و اجتماعی معتادان (سوء مصرف کنندگان مواد مخدر) باید به علل روانی اعتیاد و تغییر ساختار شخصیتی معتاد توجه شود و نه فقط به ترک جسمانی آن. از این رو شناخت بهتر مسائل روانی و خصوصیات شخصیتی معتادان موجب تسهیل روند درمان و انتخاب شیوه‌های درمانی مناسب می‌شود (استان هوپ^۷، ۱۹۹۶، به نقل از نویدیان، ۱۳۸۱).

مشکلات اخیر در زمینه تدابیر پیشگیرانه برای ارتقاء سطح سلامتی موجب شده است که توجه دانشمندان به رفتارهای خطر پذیر و استعداد‌های شخصیتی و سبک‌های هویتی خاص در بین افراد، بخصوص نوجوانان و جوانان معطوف شود. در نتیجه پژوهش حاضر با توجه به کم بودن مطالعات انجام شده پیرامون اعتیاد و سبک‌های هویتی و اهمیت آن در زندگی جوانان و آینده‌ی کشور و هزینه اقتصادی ناشی از مقابله با آنها، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا بین ویژگی‌های شخصیتی با سبک‌های پردازش هویت در افراد وابسته به مواد مخدر تحت درمان نگهدارنده با متادون (MMT) رابطه‌ای وجود دارد.

¹ - addictive personality or Character

² - psychoanalysis

³ - diagnostic and statistical manual of mental disorders 3rd.ed

⁴ American psychiatric Association

⁵ - substance abuse

⁶ - Ball S.A

⁷ - Stanphoe M

اهمیت و ضرورت تحقیق:

همراه با رشد شخصیت و شکل گیری هویت در نوجوانی و جوانی جستجوی معنوی برای دستیابی به معنی زندگی آغاز می شود و فرد به تدریج نظام اعتقادی و الگوهای فرهنگی و اخلاقی خاص خود را شکل می دهد. چگونگی شکل گیری این نظام های ارزشی جدید متأثر از عوامل گوناگون بخصوص میزان هوشمندی، کیفیت استقلال، میزان جسارت، ساختار شخصیتی، کیفیت آموخته های پیشین و جریان عمومی در گیری های فکر و ارزشی موجود در محیط اجتماعی فرد است (لطف آبادی، ۱۳۸۳).

مارسیا (۱۹۸۷) درباره ی افرادی که به هویت دست یافته اند «روش ارتباطی این افراد با جهان دارای انعطاف زیادی است آنها متفکر و درون نگر هستند، زمانی که تحت تاثیر موقعیت استرس زا قرار می گیرند از نظر شناختی عملکرد خوبی دارند، اگر در معرض تغییرات ناگهانی قرار گیرند خود را نمی بازند».

لازم به ذکر است بسیاری از مشکلات و معضلات جوانان و نوجوانان ناشی از عدم شکل گیری هویت ثابت و پایدار در آنهاست. نوجوانانی که هویت کسب کرده اند یا فعالانه آن را کاوش می کنند، احساس عزت نفس بیشتری دارند و در استدلال اخلاقی و ویژگی های با ثبات شخصیتی پیشرفته تر هستند. اما افرادی که هویت مناسبی ندارند، دچار مشکلات سازگاری می شوند و بسیاری از جوانان تعهدات خود را به صورت دفاعی بکار می برند و هر گونه اختلاف عقیده ای را تهدید قلمداد می کنند. معمولاً بسیاری از آنها تفکر «برایم مهم نیست» را اختیار می کنند و تا حد زیادی گرفتار مسائل اجتماعی نامناسب نظیر بزهکاری، اعتیاد و ... می شوند (برک، ۲۰۰۳؛ به نقل از سید محمدی، ۱۳۸۳).

متأسفانه جوانان دشوار زیادی در جامعه و بخصوص در بخش های محروم شهر های بزرگ وجود دارند که به دلیل رشد نایافتگی شخصیتی و هویتی، خود را مقدم بر هر کسی، هر چیزی و هر ارزشی و هر اعتقادی قرار می دهند. به این جوانان باید کمک شود تا از حصار تمایلات فردی فراتر روند و ارزشهای برتری را برای زندگی خود برگزینند.

بیماری ها و اختلالات مزمن و طولانی مثل ایدز و اعتیاد به تنهایی یا با یکدیگر پیوسته در زندگی مبتلایان، بحران ایجاد می کند و می تواند منجر به کاهش کیفیت زندگی آنها در ابعاد مختلف روانی و جسمانی گردد. معتادین، نیازمندی های زیستی، روانی، اجتماعی و هیجانی بخصوص دارند که در مقایسه با نیازهای افراد سالم متفاوت می باشد (شاهینوند، ۱۳۷۷).

اهداف تحقیق :

- تبیین رابطه ویژگی‌های شخصیتی با سبک‌های پردازش هویت در وابستگان به مواد مخدر تحت درمان نگهدارنده با متادون .
- پیش بینی سبک‌های پردازش هویت بر اساس ویژگی‌های شخصیتی در وابستگان به مواد مخدر.

فرضیه تحقیق :

۱- بین ویژگی‌های شخصیتی با سبک‌های پردازش هویت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

سئوالات تحقیق :

- ۱- کدامیک از ویژگی‌های شخصیتی به ترتیب بهترین پیش‌بینی کننده‌ی سبک‌های پردازش اطلاعاتی هستند؟
- ۲- کدامیک از ویژگی‌های شخصیتی به ترتیب بهترین پیش‌بینی کننده‌ی سبک‌های پردازش هنجاری هستند؟
- ۳- کدامیک از ویژگی‌های شخصیتی به ترتیب بهترین پیش‌بینی کننده‌ی سبک‌های پردازش اجتنابی هستند؟

تعاریف نظری :

سبک‌های پردازش هویت :

بزروسکی (۱۹۹۳)، هویت را یک ساختار مفهومی می‌داند که از شرایط، لوازم و مفروضات مربوط به خود تشکیل شده است، هویت یک مفهوم دقیق از (خود) می‌باشد. در این راستا او نتیجه گرفت که افراد تئوری‌های مربوط به (خود) یا به طور کلی هویت شان را بر اساس سه جهت‌گیری پردازش شناختی بنیان نهاده، حفظ کرده و مورد تجدید نظر قرار می‌دهند که از آنها به عنوان سبک‌های پردازش هویت نام می‌برد.

ویژگی های شخصیتی :

کاپلان و هارولد (۱۹۹۳) به ترجمه پورافکاری (۱۳۷۹): ویژگی های شخصیت را می توان مجموعه مشخص صفات هیجانی و رفتاری شخص در زندگی روزمره توصیف کرد ، که معمولاً ثابت و قابل پیش بینی است.

افراد وابسته به مواد مخدر :

وابستگی به مواد افیونی مجموعه ای از علائم فیزیولوژیکی ، شناختی رفتاری می باشد که علیرغم مشکلات قابل ملاحظه مرتبط با مصرف مواد ، فرد به صورت پیوسته مصرف ماده را ادامه می دهد و منجر به اختلال های بالینی در فرد مصرف کننده می شود (وزیریان و مستشاری ، ۱۳۸۲).

تعریف عملیاتی :

سبک های پردازش هویت :

منظور سه سبک هویت اطلاعاتی هنجاری و گسیخته -اجتنابی مطرح شده توسط برزونسکی می باشد که توسط مقیاس سبک های پردازش هویت (ISI-GG) ساخته وایت و همکارانش (۱۹۹۸) مورد سنجش قرار می گیرند.

-ویژگی های شخصیتی :

- نمره ای که فرد از آزمون NEO-FFI-R ۶۰ سئوالی کسب می کند که شامل ۵ عامل اصلی است.
- منظور از بی ثباتی هیجانی (یاروان رنجوری) : نمره ای است که آزمودنی در عامل N کسب می کند.
- برون نگرایی : نمره ای که آزمودنی در عامل E کسب می کند.
- بازبودن به تجربه : نمره ای که آزمودنی در عامل O کسب می کند.
- دلپذیر بودن : نمره ای که آزمودنی در عامل A کسب می کند.
- وجدانی بودن : نمره ای که آزمودنی در عامل C از آزمون نئو کسب می کند.

افراد وابسته به مواد مخدر:

در این تحقیق شخص وابسته به مواد مخدر به کسی اطلاق می شود که تست مورفین شروع درمان آنها مثبت بوده و در صورت محدودیت ۲۴ ساعته از مواد مصرفی سندروم ترک را نشان داده اند و حداقل ۱ سال سابقه مصرف مواد مخدر را داشته اند و در حال حاضر تحت درمان نگهدارنده با متادون (MMT) می باشند.

فصل دوم

مبانی نظری و پیشنهاد تحقیق

مقدمه:

در این فصل ابتدا به بررسی گستره‌ی نظری که شامل تعاریف، دیدگاه‌ها و نظرهای مختلف نظریه‌پردازان پیرامون ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های پردازش هویت پرداخته شده است. همچنین به بررسی و بیان پژوهش‌های داخل و خارج از کشور پرداخته شده است که بطور مستقیم یا غیرمستقیم با پژوهش در ارتباط بوده است.

هویت:

در زمینه هویت، رویکردهای مختلفی با توجه به اهمیت دادن به عناصر و اجزاء مختلف آن صورت گرفته است که این امر موجب تنوع و گوناگونی در تعاریف ارائه شده و عدم ارائه تعریفی جامع و واحد از هویت می‌گردد از این روی سعی شود در ادامه به طور مختصر به بعضی از این تعاریف اشاره شود.

ویلیام جیمز^۱ (۱۸۹۲) از جمله پیشگامان در نظریه پردازش «خود» و «توصیف من انسانی» هویت شخصی را مفهومی میداند که افراد از خود به عنوان یک شخص دارد و این مفهوم ناشی از تجربه‌ی تداوم و تمایز است یعنی «خود» در طول زمان یکسان باقی می‌ماند درعین حالی که از دیگران متمایز است. اریکسون^۲ (۱۸۶۸). در همین رابطه، هویت را یک مفهوم سازمان‌یافته از «خود» می‌داند که از ارزش‌ها، باورها و اهدافی که فرد بدان پایبند است تشکیل شده است. به عقیده‌ی ماریسا^۳ (۱۹۸۰) یکی دیگر از نظریه‌پردازان در این حوزه و از جمله طرفداران نظریه‌ی رشد روانی اجتماعی اریکسون، هویت عبارت است از سازمان دادن نوعی خود درونی شده که مشتمل بر نظام باورها، آرزوها، ارزش‌ها، عقاید و تجارب است. همراستا با اریکسون، برزونسکی^۴ (۱۹۹۳) هویت را یک ساختار مفهومی می‌داند که از شرایط، لوازم و مفروضات مربوط به «خود» تشکیل شده است. هویت یک مفهوم دقیق از خود می‌باشد از جمله نظریه‌پردازان دیگر در این زمینه گروتوانت^۳ (۱۹۹۷) می‌باشد او در این خصوص بر این باور است که ترکیبی مشخص و مجزا از ویژگی‌های شخصیتی و سبک اجتماعی فرد، احساس هویت شخصی او را به وجود می‌آورد که از طریق آن، فرد خود را تعریف می‌کند و توسط دیگران شناخته می‌شود. ربر^۴ (۱۹۸۵) نیز در این خصوص معتقد است که هویت مفهوم ذهنی یک فرد از خویش است که به کمک آن یک فرد با

^۱ -William James

^۲ -Erikson, E.

^۳ -Grotevant

^۴ -Reber

گذشته‌اش مرتبط شده و احساس تداوم و یکپارچگی در زندگی می‌کند. صاحب نظران و محققان دیگر در حوزه‌ی هویت، به نقش و اهمیت آن به عنوان یک نیاز اساسی در طول زندگی انسان تاکید کرده‌اند از جمله گلاسر^۱ (۱۹۷۷)، تنها نیاز اساسی انسان را نیاز به هویت یعنی "اعتقاد به این که ما فردی متمایز از دیگران و همچنین شخص مهم و با ارزشی هستیم" دانسته است (به نقل از کهولت، ۱۳۸۸). به هر تقدیر رویکردها و نظریات مختلفی پیرامون خود یا هویت مطرح شده‌اند و هر گروه از نظریه پردازان از منظره‌های مختلف به شرح این سازه پرداخته‌اند.

روانشناسی اعتیاد و سبک‌های پردازش هویت:

مارسیا (۱۹۹۶) مفهوم هویت من^۲ اریکسون را به عنوان پایگاه هویت، عملیاتی کرده است پایگاه هویت^۳ نتیجه دوران بحران هویت است. مارسیا بر اساس دو ملاک بحران و تعهد، چهار نوع پایگاه هویت زودرس^۴؛ تعلیق^۵، سردرگم^۶ و موفق^۷ را مشخص کرده است. پس از آن، مطالعات متعددی جهت کشف رابطه پایگاه‌های هویت و رفتارهای بهنجار و نابهنجار گروه‌های مختلف جمعیتی انجام یافته است. بخشی از این مطالعات مربوط به رابطه‌ی پایگاه‌های هویت و سوء مصرف مواد بوده است. مجموعه این مطالعات حاکی از آن است که افراد دارای پایگاه‌های هویتی مختلف، رفتارهای متفاوتی در برابر سوء مصرف مواد داشته‌اند.

نظریه اریکسون: نوجوانی در رشد هویت

نقطه‌ی عطف و توجه به مفهوم هویت و چگونگی تکامل و عوامل تاثیرگذار بر آن، در نظریات اریکسون می‌باشد او در یک نظام هشت مرحله‌ای که برای توصیف رشد انسان در طول زندگی ارائه کرده و آن را مراحل روانی - اجتماعی نامیده است بر این باور است که در هر مرحله فرد با یک تکلیف یا بحران رشدی مواجه می‌شود که باید آن را پشت سر گذارد تا بتواند مطابق با الگوی رشد سالمی به زندگی خود

1 -Glasser

2 -ego identity

3 -identity status

4 -foreclosure

5 -maratorium

6 -diffusion

7 -identity achieve

ادامه دهد. وی در همین راستا بحران اساسی مرحله‌ی پنجم یا دوران نوجوانی را هویت‌یابی در برابر سردرگمی هویت^۱ می‌نامد (شاملو، ۱۳۷۷). برخورد روانی در این دوره شکل‌گیری احساس هویت «من» و پراکندگی اجزای مختلف آن می‌باشد. نوجوان باید این تعارض را حل کرده و یک شخصیت واحد و کاملاً منسجم برای خود ایجاد کند (شولتز، ۱۳۸۶).

این مرحله، یک زمان تفسیر و تحکیم است که در آن هر احساسی که داریم و هر چیزی که درباره‌ی خود می‌دانیم، به صورت یک کل ترکیب می‌شوند. شخص باید خود انگاره‌ی با معنایی را شکل دهد که علاوه بر پیوستگی گذشته، یک جهت‌گیری نسبت به آینده را شامل شود. بنابراین ترکیبی از عقاید ما بر اساس نحوه‌ی تفکر دیگران درباره‌ی ما و نیز نحوه‌ای که ما درباره‌ی خودمان فکر می‌کنیم، وجود دارد که به طور آرمانی باید تصویر باثبات و متناسبی را به دست دهد. این تصویر، یعنی تصویر خود فرد، وحدت هویت فرد را شکل می‌دهد. اریکسون بر این باور است که شکل‌گیری و پذیرش هویت فرد تکلیفی کاملاً دشوار و اضطراب‌زاست که در آن نوجوان باید نقش‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف را برای انتخاب مناسب‌ترین آنها تجربه کند و یا بیازماید. افرادی که از این مرحله مشکل با یک احساس هویت قوی بیرون می‌آیند آماده هستند تا با یک احساس بسط یافته از اطمینان به خود و اعتماد به نفس، با بزرگسالی آتی خود روبه‌رو شوند.

افرادی که نتوانند به یک هویت منسجم دست یابند، افرادی که یک بحران هویت را تجربه می‌کنند چیزی را نشان می‌دهند که اریکسون آن را ابهام نقش^۲ می‌نامد آنها نمی‌دانند که کیستند و یا چه هستند، به کجا تعلق دارند و یا به کجا می‌خواهند بروند (شولتز، ۱۳۸۶). در نتیجه این افراد آمادگی لازم برای روبه‌رو شدن با چالش‌های روانی بزرگسالی را نخواهند داشت. با توجه به آنچه گفته شد، چیزی که در نظریه اریکسون مشهود است گستردگی مفهوم هویت و در نتیجه ایجاد اشکال برای تحقیقات تجربی در زمینه‌ی هویت می‌باشد. چرا که برای قابل آزمون کردن این مفهوم باید ابتدا آنرا تعریف عملیاتی کرد. مارسیا (۱۹۹۶) در پاسخ به این ضرورت، نظریه‌ی وضعیت‌های هویت^۳ خود را مطرح نمود که رویکردی به نظریه‌ی اریکسون برای عملیاتی کردن مفهوم هویت و آزمون آن می‌باشد.

¹ -identity versus confusion

² -role confusion

³ -identity stas

اریکسون (۱۹۶۸) نظریه‌ی رشد من را برای تشریح تعامل بین عوامل روانشناختی، تاریخی و رشدی در شکل‌گیری شخصیت مطرح کرد شاید هیچ نظریه‌پرداز دیگری بیشتر از او بر درک ما از رشد شخصیت در نوجوانی اثر نگذاشته باشد (آدامز^۱، ۱۹۹۸).

از زاویه روان تحلیل‌گری برای اولین بار اریکسون بود که در نظریه خود ماهیت روانی اجتماعی هویت را با توجه به نقش مهم جامعه در تأیید حمایت و کمک به شکل‌گیری آن مورد توجه قرار دارد. اریکسون به عنوان یک نظریه‌پرداز تحولی، دوران فکنی‌های^۲ مربوط به هویت در دوران اولیه کودکی و همانند سازی‌های^۳ دوران کودکی را از فرایندهای شکل‌گیری هویت در نوجوانی مجزا کرد، اریکسون مرحله نوجوانی را به عنوان فرصتی برای حل دوباره هویت از طریق ترکیبی که یکی سازی شده و تعالی بخش تمام همانند سازی‌های گذشته می‌باشد می‌داند این یکی سازی جهت ایجاد یک کل جدید بوده که بر اساس آن چیزهایی است که قبلاً وجود داشته است اما از نظر کیفی با آن متفاوت است (کروگر، ۱۹۹۶؛ به نقل از رزمی، ۱۳۸۳).

در نظریه اریکسون هویت احساسی است که هوشیارانه تجربه می‌شود احساسی که از تعامل فرد با واقعیت اجتماعی خویش ناشی شده و در حال تغییر و تبدیل است در پاسخ به تغییرات محیطی اجتماعی تشکیل و حس قوی از هویت اهمیت فراوانی دارد و عدم وجود آن از نخستین عوامل تعیین‌کننده آسیب روانی و ناسازگاری است.

اریکسون هشت مرحله روانی - اجتماعی را مطرح کرد. هر مرحله روانی - اجتماعی تکلیف ویژه‌ای را نشان می‌دهد و این تکلیف فائق آمدن بر بحران^۴ است مقصود اریکسون از بحران تصمیم هوشیارانه در مواجهه با تکالیف رشدی هر مرحله است که به منظور فراهم نمودن رشد مثبت باید به طور مناسبی حل شود.

¹ -Adamz

² -introspection

³ -identification

⁴ -crisis